

حسن خوشپور معاون سابق سازمان برنامه و بودجه:

دولت با سهم طلائی شرکت‌ها را اداره می‌کند

عمل می‌کند و بازار را در اختیار آنها قرار داده است، دولت برای آنها تسهیلاتی را فراهم می‌کند که بتوانند فعالیت داشته باشند مانند بنیادها و نهادهای عمومی و صندوق‌های بازنشستگی و... که دولت فرصت را به آنها داده است و به نفع آنها می‌گیرد. اصولاً دولت تمایلی ندارد که این شرکت‌ها را به بخش خصوصی بدهد و اگر این کار را انجام دهد اقتدار خود را در اقتصاد از دست می‌دهد. دولت در اقتصاد ایران به جای اینکه بستر را فراهم کند و قانونگذاری کند و از رقابت در بازار محافظت کند خودش وارد عملیات شده است. طبق قانون دولت حق ندارد شرکت‌داری کند اما این را تغییر داده و به صورت ظاهری شرکت را غیردولتی کرده اما باز هم خودش آن را اداره می‌کند.

۴ دیوان محاسبات کشور از دولت خواسته از شرکت‌هایی که مدیریت دولتی در آنها کم است خارج شود، با این شرایط دولت چنین خواسته‌ای را قبول می‌کند؟
دولت در هر کجا که یک درصد سهام داشته باشد آن را رها نمی‌کند که اصطلاحاً به آن «سهم طلائی» می‌گویند و دولت با همان یک درصد شرکت را اداره می‌کند. مگر ایران خودرو و سایپا به لحاظ ساختار حقوقی دولتی هستند؟ خیر، خصوصی هستند نه دولتی، اما آنجا نفوذ دارد. سهم دولت در ایران خودرو از پنجاه درصد خیلی کمتر است ولی آنجا را اداره می‌کند و مشکل ما دقیقاً همین جاست. دولت را مجبور کرده اند که شرکت‌ها را به بخش خصوصی واگذار کند اما او این کار نمی‌کند بلکه شرکت را به بخشی می‌دهد که باز دولت در آنجا حضور داشته باشد و فضای دولتی بر آنجا حاکم است. به لحاظ تعریف حقوقی آن شرکت دولتی نیست پس می‌تواند از امتیازات بخش خصوصی استفاده کند و حتی می‌تواند زیر بار نظارت‌های دولت نرود و از نظارت‌ها معاف باشد. دیوان محاسبات کشور در اینجا هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد برای اینکه شرکت به صورت قانونی غیردولتی است اما دولت آن را اداره می‌کند مانند اکثر شرکت‌های پتروشیمی. نکته دیگر اینکه دولت از طریق سهام عدالت بسیاری از شرکت‌های واگذار شده را اداره می‌کند، یعنی مقداری از سهام عدالت که برای مردم است در آن شرکت‌ها وجود دارد و دولت به وکالت از مردم آنجا را اداره می‌کند و هیئت‌مدیره و مدیرعامل را انتخاب و عزل می‌کند. اصولاً در بخش بنگاه‌داری ایران، دولت همه‌کاره است مگر شرکت‌های کوچک که خیلی حرفه‌ای باشند و دولت سمت آنها نرود و یا سهم آنها پایین باشد تا دولت به آنها کاری نداشته باشد در غیر این صورت ما بنگاه‌داری دولتی و خصوصی در اقتصاد کشورمان نداریم.

۴ دیوان محاسبات کشور پیشنهاد داده بحث مالکیت عمومی را تعریف و تدوین کنیم، فکر می‌کنید با شفاف شدن آن مشکلات کمتر می‌شود؟
نه، امکان ندارد. مگر در کشور قانون کم داریم؟ انواع و اقسام قانون نوشته شده که دولت از بخش بنگاه‌داری خارج شود اما دولت مانند گربه باز چهار دست و پا به پایین می‌آید و کار خود را می‌کند. امکان ندارد دولت خارج شود چون اگر این کار را نکنند نمی‌توانند اقتصاد ایران را اداره کنند. در قانون گفتند هر شرکتی که زیان‌ده باشد باید دولت آن را به بخش خصوصی واگذار کند اما در لایحه بودجه، برخی شرکت‌ها را به شکل صوری بودجه آنها را زیان‌ده نشان ندادند و در یک جدول دیگر به آنها کم زیان دادند که خلاف قانون و استاندارد است و به نوعی ایجاد ایهام در اسناد است و کلاهبرداری محسوب می‌شود اما دولت این کار را کرد، کاری که مثلاً با شرکت‌های آب و فاضلاب روستایی کردند. هر قانونی هم نوشته شده بود با مسئله کلاف سردرگم بنگاه‌داری دولتی و بنگاه‌داری عمومی در اقتصاد ایران حل نخواهد شد.



۴ دولت این شرکت‌ها را رها نمی‌کند؟ مگر دولت به دنبال چابک‌سازی نیست؟
این شرکت‌ها از منابع عمومی بودجه دریافت نمی‌کنند اما در بازار حضور دارند و خدمات و محصول عرضه می‌کنند و درآمد کسب می‌کنند و از محل فروش محصولات خود در بازار ارتزاق می‌کنند بنابراین دولت حاضر نیست این شرکت‌ها را رها کند و به بخش خصوصی میدان دهد تا آنها این بنگاه‌ها را اداره کنند. بخش خصوصی کشور واقعاً مضمحل شده است و اصلاً بخش خصوصی واقعی در کشور سهم چندانی ندارد. مانعی توانیم بگیریم شرکت‌های دولتی حتماً از بودجه عمومی دولتی استفاده می‌کنند بلکه ما شرکت‌های دولتی داریم که از دولت پولی نمی‌گیرند اما دولتی اداره می‌شوند. شرکت‌های شبه‌دولتی که دولت در آنها نفوذ و حضور دارد لزوماً از بودجه عمومی دولت پولی نمی‌گیرند ولی فرصت‌ها در اختیار آنهاست یعنی دولت به نفع آنان

محاسبات کشور خواسته عبارت «مالکیت عمومی» در قوانین کشور تعریف و تدوین شود، همچنین پیشنهاد داده تا سازمان برنامه و بودجه ملزم شود فهرست شرکت‌های شبه‌دولتی را هنگام تحویل لایحه بودجه ارائه دهد و در خواست داشته دولت از مدیریت شرکت‌هایی که سهم دولت در آنها اندک است اما مدیریت در اختیار دولت است، خارج شود.

اما آنچه می‌توان دید این است که دولت علاقه‌ای به خروج این شرکت‌ها از زیر مجموعه خود ندارد چرا که نمی‌خواهد کنترل بازار اقتصاد کشور از دستش خارج شود و بخش خصوصی جای او را بگیرد. بسیاری از شرکت‌های شبه‌دولتی و با به تعبیری حصولی، شرکت‌های درآمدزایی هستند که دولت نمی‌خواهد این پول را از دست بدهد. شرایط و مقررات نیز به گونه‌ای چیده شده که اینگونه شرکت‌ها از قانون و مقررات شرکت‌های خصوصی و دولتی نهایت استفاده را ببرند و البته به نهادهای نیز پاسخگو نباشند و همان داستان شتر مرغی باشند که نه پرواز می‌کنند و نه بار می‌برند. شاید انتشار گزارش‌های جدید دیوان محاسبات در این زمان که دولت چهاردهم در حال شکل گرفتن است به این منظور باشد که دولت مسعود پزشکیان از هم‌اکنون تکلیف خود را با شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی زودتر مشخص کند.



تا شرکت‌های خصوصی واقعی دل و جرأت بیشتری پیدا کنند و تسهیلات برای آنها فراهم شود و بالطبع قوانین برای ورود شرکت‌ها، بنگاه‌ها و نهادهای عمومی سخت‌تر شود تا به راحتی جای شرکت‌های خصوصی واقعی را بگیرند. باید در قوانین تغییر ایجاد کرد تا دست بخش حصولی از اینگونه بنگاه‌ها کم شود. توسعه کشور در دست بخش خصوصی است و هر چقدر بخش خصوصی را درگیر بازار اقتصاد کنیم شکوفایی بیشتر خواهد شد، به عبارت دیگر دولت باید دست از بنگاه‌داری بردارد و به ریل‌گذاری بپردازد. امام نیز گفته بودند که هر جا که بخش خصوصی می‌تواند کار کند دیگر جایز نیست دولت ورود پیدا کند و این حکم واضحی است که کشور به بخش خصوصی توجه بیشتری کند.

۴ امکان قانونی وجود دارد که شرکت‌های حصولی را تبدیل به خصوصی کرد؟ مثلاً با برگزاری مناقصه جدید.

هر بنگاه‌ای که سهم آن در بخش خصوصی بیش از پنجاه درصد باشد از مطابق قانون تجارت شرکت خصوصی می‌دانیم مثل سایپا و ایران خودرو. من و شما در نگاه اول این دو شرکت را دولتی می‌دانیم یا بانک صادرات و بانک ملت را دولتی می‌دانیم اما به طور واقعی همه اینها خصوصی هستند چون بالای پنجاه درصد از سهم آنها برای غیردولت است ولی متأسفانه دولت با همان سهم اندک نیز اعمال مدیریت می‌کند، فکر می‌کنم کل سهم دولت در سایپا کمتر از ۱۷ درصد است ولی به خاطر همین مقدار سهمی که دارد مدیرعامل تعیین می‌کند و هیئت‌مدیره ایجاد می‌کند. اینها همان موانعی است که ایجاد شده است. به هر حال طبق قانون نمی‌توان شرکتی که واگذار شده را دوباره واگذار کرد مگر اینکه آنها از ادای تعهدات و پرداخت اقساط و دیون خود ناتوان شده باشند که در این صورت می‌توان بنگاه را به دولت برگرداند و دوباره دولت برای آنها مزایده برگزار کند مثل «ایران ایرتور» که شبه‌دولتی بود و نتوانست به تعهدات خود عمل کند و سازمان خصوصی‌سازی آن را به عنوان وکالت گرفت و آن را به بخش خصوصی واقعی واگذار کرد.



تهدید امنیت شغلی کارگران

وجود نیروهایی که به صورت غیرقانونی فعالیت دارند تهدیدی برای امنیت شغلی کارگران ایرانی و تولید کشور است. محمدرضا تاجیک، رئیس مجمع نمایندگان کارگران استان تهران و نماینده مجمع عالی کارگران کشور در گفت‌وگو با تسنیم، با اشاره به فعالیت کارگران افغانی در کشور افزود: متأسفانه شاهد عدم نظارت سازمان‌های مسئول در این حوزه هستیم. وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی اگر این موضوع را پیگیری کنند دیگر شاهد چنین بحرانی نخواهیم بود. عملاً با سودجویی اشخاصی به عنوان کارآفرین یا کارفرما مناسبا با عدم رعایت وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی، حق سایر کارگران ایرانی در حال ضایع شدن است. تاجیک ادامه داد: با به‌کارگیری غیرقانونی نیروی کار و عدم رعایت قوانین وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی و سایر سازمان‌های ذی‌ربط، توازن در تولید به هم می‌ریزد و این موضوع برای کل کشور تبعات جبران‌ناپذیری دارد.



گذار از خطوط لوله گاز

ایران دومین دارنده ذخایر گاز جهان، سومین تولیدکننده و چهارمین مصرف‌کننده گاز طبیعی در جهان است، به نظر می‌رسد در شرایط فعلی می‌تواند با بهینه‌سازی مصرف گاز، تنوع‌بخشی به سبد مصرف و رفع ناترازی بخشی از مارکت جهانی گاز را به‌دست بگیرد و نقش خود را در بازار انرژی جهان تقویت کند که البته این اقدام مستلزم استفاده از تکنولوژی، فناوری‌های بروز، سرمایه‌گذاری خارجی و به‌کارگیری وسایل حمل‌ونقل ال‌ان‌جی است که گاز ایران را به مناطق دورتری حمل‌کنند البته تحریم‌ها هم در این زمینه بی‌تاثیر نبوده و سبب عملکرد ضعیف ایران در زمینه ال‌ان‌جی شده است. عرفان افاضلی دبیرکل فدراسیون صادرات نفت در گفت‌وگو با ایلنا، درباره تمرکز دنیا روی صادرات گاز از مسیر ال‌ان‌جی و جایگاه ایران در این حوزه اظهار داشت: در حالت کلی پیش‌بینی می‌شود که تقاضای نفت در سال ۲۰۲۰ به اوج خود برسد و بعد از آن تقاضا به سمت گاز طبیعی و سپس انرژی‌های تجدیدپذیر حرکت کند.



ممنوعیت معامله املاک با اتباع غیر مجاز

ممنوعیت معامله املاک با اتباع غیرمجاز ابلاغ شده است. کیانوش گودرزی رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران گفت: انعقاد قرارداد برای اتباع غیرمجاز بوده و با مشاوران املاکی که در این زمینه قرارداد منعقد می‌کنند برخورد خواهد شد. اما مشاوران املاکی که قراردادها را مسکن با اتباع مجاز منعقد می‌کنند هم باید یک نسخه از قرارداد را به اتحادیه ارسال کنند و کارت ورود و مدت اقامت را مشخص کنند. او بیان کرد: در بحث اجاره رابطه بین عرضه و تقاضا مطرح است و هر چقدر نرخ تورم افزایش یابد به طور قطع بر نرخ اجاره هم اثرگذار خواهد بود. او یادآور شد: میانگین قیمت ساخت مسکن بین ۱۰ متر تا ۱۵ میلیون تومان بوده و میانگین قیمت خرید و فروش مسکن هم بین ۷۵ تا ۸۵ میلیون تومان خواهد بود.